



# مذکره مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق دهم جمادی الاولی ۱۳۴۵

جلسه ۳۰

غائبین با اجازه - آقایان: علی خان اعظمی، محمد آخوند،

آقاسید حسن مدرس، طباطبائی دیبا.

غائبین بی اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی، میرزا ابراهیم

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین

تشکیل و صورت مجلس یکشنبه بیست و دوم آبان ماه قرائت و

تصویب شد.



خان قوام، محمد هاشم میرزا افسر، میرزا حسن آقا آقازاده سبزواری، غلامحسین میرزا مسعود، والی زاده جوانشیر.

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: آقا سید جواد محقق، مرتضی قلی خان بیات، هاشم آقا ملک مدنی.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: امیرحسین خان ایلخان، فیروز میرزا فیروز، عطاءالله خان پالیزی، نویخت، میرزا ابراهیم آشتیانی.

آقای وزیر مالیه در جواب سؤال آقای دکتر سنگ راجع بمطالبه مالیات از گاوهای تلف شده و مراتعی که بواسطه گاومیری مسلوب المنفعه مانده و حفظ گاوهای موجود در مازندران اظهار نمودند راجع به گاوهای تلف شده چنانچه در اثر سمیزیهای سابق مالیاتی مطالبه شده مدتی است دستور داده شده است از این بابت چیزی مطالبه نمایند و در سرائع مسلوب المنفعه هم اسر شده است رسیدگی نموده و مطالبه مالیات نمایند و برای حفظ گاوهای موجود هم وزارتین مالیه و فوائد عامه مشغول تنظیم لایحه هستند که عنقریب بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد.

آقای زوار راجع به تعدی مأمورین و تحصیلداران مالیه در ولایات و لزوم توجه نمایندگان نسبت به این موضوع شرحی تقریر پس از آن راپورت شعبه اول سابق راجع بنمایندگی آقای آقا میرزا حسنخان وثوق از طهران قرائت و بمناسبت مخالفت آقای دشتی تعیین تکلیف آن به جلسه دیگر موقوف گردید.

چهار فقره خبر از طرف کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرخصی آقایان ملک مدنی، آقا میرزا محمد تقی طباطبائی و اعتبار، میرزا یدالله خان نظامی و نظام مافی قرائت و نسبت به هر یک جداگانه رأی گرفته تصویب شد. لایحه دولت راجع به اجازه صدور مسکوکات نقره خارجی در ظرف دو ماه که در جلسه قبل از طرف وراث مالیه تقدیم و نسبت به آن تقاضای دو فوریت شده بود مطرح و آقای محمدولی میرزا با فوریت آن مخالف بوده عقیده شان این بود لایحه مزبور به کمیسیون قوانین مالیه ارجاع و پس از تقدیم راپورت از طرف کمیسیون مطرح شود.

آقای آقا سید یعقوب شرحی مشعر به موافقت اظهار و نسبت به فوریت قسم اول و دوم جداگانه رأی گرفته تصویب و در اصل موضوع آقای محمدولی میرزا اظهار سینه نمودند کثرت رویه در سرحدات جنوب بمناسبت وجود اداره وقت جنوب است که کمپانی همه وقت برای مصرف اداره خود وارد ایران مینماید و تجار ایرانی دارای رویه زیادی نیستند که از این حیث به آنها خسارتی وارد شود و وضع این قانون موجب ضررهای اقتصادی برای مملکت خواهد بود.

آقای شیروانی و وزیر مالیه اظهار مینمودند در بنادر و سرحدات جنوبی کلیه معاملات بوسیله رویه صورت وقوع پذیرفته و اصلاً سکه دیگری در آن حدود وجود ندارد و چون رواج مسکوکات خارجی از طرف دولت در داخله مملکت قدغن شده مقدار کثیری رویه در دست تجار باقیمانده و چنانچه اجازه خروج داده نشود ضرر بسیاری متوجه تجار ایرانی میشود بنابراین برای مدت دو ماه اجازه داده میشود رویه های خود را در مقابل مال التجاره خارج نموده و پس از انقضاء مدت مزبور مجدداً از خروج آنها جلوگیری خواهد شد.

آقای عمادی اصلاحی پیشنهاد و پس از مختصر مذاکره مسترد و آقای فرزند پیشنهاد نمودند مدت دو ماه پنجمه و پس از مسکوکات نقره مسکوکات طلائی خارجی هم اضافه شود و توضیحاً اظهار مینمودند در اثر تصویب قانون منع خروج طلا و نقره صرفاً برات لیره به لندن متداولی ترقی نموده بطوریکه فرضاً اگر تاجری برات صد هزار لیره خریداری نماید بایستی هفتاد هزار تومان صرف بدهد و چنانچه بصورت مسکوک طلائی خارجی مجاز باشند این ضرر هنگفت عاید آنها نخواهد شد و از این راه ضرری هم متوجه مملکت نمیشود زیرا امروزه طلا و نقره در دنیا ثروت محسوب نموده و میزان ثروت هر مملکتی منوط بکارکرد اهل آن مملکت است.

آقای شیروانی اظهار مینمودند میزان اعتبار هر مملکت مخصوصاً معاملات صرافی منوط به مقدار طلائی است که در مملکت موجود است و بدیهی است آزادی صدور طلا و نقره جز ضرر اقتصادی نتیجه دیگری نخواهد داشت.

آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد نمودند بجای بیستم آبان جمله (پس از تصویب این قانون) نوشته شود و آقای فیروز میرزا پیشنهاد نمودند عبارت (نظر به اینکه در ممالک محروسه ایران غیر از سکه ایرانی نباید رواج داشته باشد) در اول ماده اضافه شود و آقای وزیر مالیه هر دو فقره را قبول نموده و آقای شیروانی تقاضا نمودند نسبت به این قسمت و ماده جداگانه اخذ رأی شود.

آقای دادگر پیشنهاد نمودند چند دقیقه تنفس داده شود و نسبت به پیشنهاد ایشان رأی گرفته رد و بدواً بقسمت اضافی که از طرف آقای فیروز میرزا پیشنهاد شده بود با تبدیل (مالک) به (مملکت) و بعد بقسمت دوم و مجدداً نسبت بمجموع ماده جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله یک ربع ساعت مجدداً تشکیل و آقای حائری زاده پیشنهاد نمودند خبر کمیسیون مبتکرات راجع بالغاء مالیاتهای صنفی در درجه اول جزو دستور شود و پس از مختصر مذاکره پیشنهاد ایشان تصویب و خبر مزبور قرائت و مطرح شد.

آقای نهیمی اظهار مینمودند از قرار اظهار رئیس کل مالیه لایحه در این خصوص از طرف دولت تقدیم خواهد شد و بهتر این است این مسأله فعلاً مطرح نشود تا لایحه آن از طرف دولت تقدیم مجلس شود و به علاوه ارجاع این طرح به کمیسیون بودجه مناسبت ندارد و از وظائف کمیسیون قوانین مالیه است.

آقای حائری زاده اظهار مینمودند اولاً ممکن است در کمیسیون بودجه نظریات دولت جلب و به هر شکلی مقتضی است این لایحه تنظیم و به مجلس تقدیم شود و ثانیاً چون برقراری این مالیاتها برطبق قانون مصوب مجلس نبوده و همه ساله در بودجه منظور شده ارجاع به کمیسیون بودجه انطباق خواهد بود. بالاخره نسبت به طرح مزبور رأی گرفته قابل توجه و به کمیسیون بودجه ارجاع گردید.

خبر کمیسیون بودجه راجع به ساده چهارم قانون استخدام مهندسين اسر يكائى برای نقشه برداری راه آهن قرائت و نسبت به آن

نیز اخذ رأی شده تصویب و در ضمن شور کلی آقای آقا سید یعقوب شرحی مشعر به مخالفت با ماده سوم تقریر و آقای دادگر مختصری مبنی بر موافقت اظهار و نسبت به قانون مزبور با ورقه رأی گرفته از ۸۶ نفر نمایندگان حاضر به اکثریت ۶۳ رأی تصویب گردید.

جلسه آتی به روز یکشنبه ۲۹ آبان ماه سه ساعت قبل از ظهر

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

(صورت مجلس یکشنبه بیست و دوم آبان ماه را آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

رئیس - آقای دکتر سنگ (اجازه).

دکتر سنگ - قبل از دستور.

رئیس - آقای زوار (اجازه).

زوار - متأسفانه قبل از دستور.

رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه).

محمدولی میرزا - قبل از دستور.

رئیس - آقای میرزا یدالله خان (اجازه).

میرزا یدالله خان - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای دکتر سنگ (اجازه).

دکتر سنگ - بنده همان قدری که وقت مجلس را ذی قیمت

میدانم همانقدر هم عرایض خود را مهم میدانم. این است که استدعا کردم عرایضی که دارم قبل از دستور عرض کنم و آن موضوع گاومیری است که کراماً در اینجا مذاکره شده و در موقعی که پرگرام هیئت محترم دولت مطرح بود اگر خاطر محترم آقایان باشد بنده عرض کردم که این موضوع بسیار مهم و یک موضوع حیاتی است و دولت باید عاجلاً از شیوع این مرض در این مملکت جلوگیری کند چرا؟ برای اینکه دولت در آتی نه تنها نمی تواند مالیات بگیرد بلکه باید اعاشه هم بمردم بدهد. بعد هم آقای شریعت زاده در یکی از جلسات در همین زمینه بیاناتی فرمودند و همین طور آقای دادگر و بطوریکه در نظر دارم آقای ارباب هم در همین موضوع شرحی بیان فرمودند بنده در عین حال از هیئت محترم دولت تشکر می کنم که به این موضوع برخوردند و آقای وزیر فوائد عامه هم شخصاً به مازندران تشریف بردند و اوضاع اسفناک آنجا را دیدند و آقای دکتر ابوالقاسم خان بهرامی حقیقه فوق العاده زحمت کشیدند تا این مؤسسه را تأسیس کردند به آنجا تشریف بردند و نواقصی در آن مؤسسه مشاهده فرمودند که پس از مراجعت بنده کاسلاً استحضار دارم برای تکمیل آن اقداماتی فرمودند و بنده ستره گل را کراماً ملاقات کردم و علاقه مخصوصی در این قضیه اظهار میفرمودند. و اخیراً آقای دکتر گل سرخی که تخصص مخصوصی در این فن دارند تشریف برده اند به مازندران برای سرکشی

به این کار. بسیار خوب همه اینها اقداماتی است که هیئت دولت فرموده اند و بالاخره این اقدامات برای این است که در آتی گاوهای که باقی مانده است از این مرض مصون بمانند. اما بنده میخواهم عرض کنم (همانطور که آقای وزیر فوائد عامه هم در جلسه گذشته فرمودند) که این اشخاص با همه زحمات در روز صد سرم میتوانند تهیه کنند که در ماه سه هزار سرم میشود و این مقدار سرم کافی نیست و بنده یقین دارم گاوهای هم که باقی مانده است از این خواهند رفت. و در آتی زراعت بکلی تعطیل خواهد شد. بنده میخواهم اینجا بیشتر از این وقت مجلس را بگیرم. اگر آقایان روزنامه ستاره ایران را ملاحظه فرموده باشند آقای دکتر گل سرخی در آنجا مقاله نوشته اند و کاسلاً ثابت کرده اند که این قضیه به تمام مملکت ایران صدمه خواهد زد. موضوع دیگری را میخواهم عرض کنم و آن این است که آنهایی که گاو شان سرده چه باید بکنند؟ آنهایی که در نتیجه گاومیری زراعتشان معطل است اسباب و گاو و ماشین ندارند چه باید بکنند؟ و برای آتی آنها چه فکری شده است؟ بنده میخواهم از حضور محترم آقایان نمایندگان استدعا کنم که همه آقایان از هیئت دولت تقاضا کنند که راجع به امور زراعت آتی این مملکت فکری بکنند. فرق ندارد همانطور که در اصفهان یا در شیراز در گله های گوسفند ناخوشی بیفتد چه قدر اسباب ضرر میشود همین طور هم در مازندران یا نقاط دیگر اگر گاومیری بشود همان اندازه ضرر هست به علاوه ضرر زراعتی هم دارد. یک رعیت بیچاره که امروز شاید پیراغن ندارد و در این فصل زمستان بالابوش ندارد از کجا میتواند گاو تهیه کند؟ اولاً گاو نیست. فرضاً هم گاو باشد از کجا پول بیاورد؟ مالک هم که ندارد. بنده در این موضوع هم میخواهم زیاد صحبت کنم که چرا مالک ندارد. همینقدر عرض میکنم به اندازه که بنده خبر دارم مازندران یک اشخاص ملاکی ندارد که بتوانند برای رعایایشان گاو تهیه کنند. بنده عقیده ام این است که هیئت محترم دولت باید این موضوع را پیش بینی کند که یک اقداماتی در این موضوع بکنند که در آتی زراعت بعمل بیاید که هم دولت به مالیات برسد و هم مردم چیزی داشته باشند بخورند. البته اگر در مملکت پول بود و تجار بیچاره میتوانند مقدار پولی که در زوایای صندوقشان هست بکار بیندازند باز خوب بود ولی متأسفانه آنها هم جزئی پولشان را داده اند پشم و پنبه و مرکبات و برنج و غیره خریده اند و همه اینها جمع شده است در سرحدات و برای اینکه راه مسدود است



بنده گمان نمیکنم خاطر محترم آقای وزیر مالیه مستحضر باشد اسنانی جزء این کارها را می کنند. بعد هم خدمتشان شرفیاب میشوم و مفصلاً عرض میکنم. اگر این هم حقیقت دارد استدعا میکنم جلوگیری فرمایند.

رئیس - قسمت اخیر فرمایشات آقا به مذاکرات خصوصی بین دو نفر شبیه تر بود.

وزیر مالیه - سؤالی آقای دکتر سنگ در این باب کرده بودند ولی اینکه حالا تذکر دادند سه موضوع بود یکی راجع به گاوهای که تلف شده اند. یکی هم راجع به سجل تعریف آنها. یکی هم راجع به گاوهای که باقی هستند و باید حفظشان کرد. آنچه دستور از طرف وزارت مالیه داده شده است این است که: از گاوهای که تلف شده اند مالیات نگیرند و این دستور قطعاً داده شده است و اگر اظهاری هم کرده باشند که از گاوهای مرده مثلاً مالیات میخواهند (در صورتیکه تصور نمیکنم حقیقت داشته باشد) شاید برای ترتیب سمیزی سابق بوده که مطالبه کرده اند ولی دستور مخصوص داده شد که گاوهای مرده را معفو بدارند. و همچنین در ده روز قبل که آقایان نمایندگان مازندران تذکر دادند که مراتع بواسطه سردن گاوها از استفاده افتاده است دستور داده شد که رسیدگی کنند و آن اراضی را که بواسطه سردن گاوها از استفاده افتاده از مالیات معاف دارند. در موضوع گاوهای زنده هم وزارت فوائد عامه به اتفاق وزارت مالیه مشغول تهیه پیشنهادی است که آن پیشنهاد عنقریب به عرض مجلس خواهد رسید و اسیدواریم راجع بجلوگیری از این فقره اقداماتی که لازم است بشود و نتیجه مطلوبه بدست آید.

رئیس - آقای زوار (اجازه).  
زوار - در جلسه گذشته همکار معظم بنده آقای شیروانی فرمودند خوشبختانه پس از سه ماه اولین مرتبه ایست که پشت تریبون آمده و قبل از دستور صحبت میکنند ولی متأسفانه این پنجمین دفعه ایست که بنده اینجا شرفیاب شده ام و بدبختانه نه فرمایشات آقای شیروانی که حقایق برجسته بود مؤثر واقع شد و نه عرایض بنده. اولین دفعه که اینجا شرفیاب شدم خاطر دارم که علت العلیل بدبختی مملکت را در دو موضوع تشخیص دادم. نقصان معارف و عدم مجازات خائنین مملکت. مؤثر واقع نشد (تشجیع هم شدند) در جلسه دوم باز شرحی عرض کردم راجع بنقصان معارف و پیشنهادی هم تقدیم کردم که باید در صدر معارف ایران برای اینکه معارف را از این ذلت و فلاکت بیرون آورد یک نفر برای مدت پنجسال مثل مستشارهایی که هستند قرار بگیرد. باز مؤثر نشد. حتی در خارج هم یک نفر از آقایان از من سؤال نکردند که این چه پیشنهادی بود؟ عقیده ات چه بود؟ در جلسه سوم قانون اساسی را پیشنهاد کردم اجرا شود. آن هم اجرا نشد در جلسه چهارم راجع به عدالت عرض کردم که رعایا فاقد عدالتند و ما را برای عدالت اینجا فرستاده اند که وسائل آسایش و راحتی آنها را از دست مأمورین کشوری (حالا...) فراهم کنیم باز هم توجیهی نشد و از بنده هم سؤال نشد که این سؤالی که کردی اصلاً چه مأخذی داشت. حالا هم فقط برای آخرین مرتبه میخواهم عرض کنم که اگر

ابداً حمل نمیشود و همینطور سانه است. در این موضوع هم نمیخواهم زیاده بر این عرضی بکنم زیرا آقای وزیر امور خارجه در دو سه جلسه قبل فرمودند شاید تا دو هفته دیگر به این موضوع خاتمه بدهند. پس از آقایان سؤال میکنم آنهایی که گاوهای مرده و محتاج به زراعت هم هستند چه باید بکنند؟ (همانطور که آقای حائری زاده هم فرمودند برای ما یزد و اصفهان و کرمان فرق ندارد) امروز استرآباد در اینجا و کیل ندارد. اگر یک سانه برای استرآباد رخ بدهد بر تمام ماها لازم است که رفع آن را بکنیم. ما خودمان را و کیل تمام ایران میدانیم. این مردم گاو میخواهند و منتظرند به تقاضای مشروع آنها ترتیب اتری داده شود. بنده خودم را مکلف میدانم که برای تقاضای مشروع سوکلین خودم کوشش کنم. موضوع دیگر اینکه از حضور آقای وزیر مالیه با علاقه مندی کاسلی که شخص محترم ایشان باصلاح امور دارند سؤالی کرده بودم راجع به سراتعی که تعریف نشده که تکلیف آنها چیست؟ در مازندران یک قسم سراتعی هست که عبارت است از چند جاهائی که درخت دارد و اسم آن را جنگل گذاشته اند و این جنگلها جاهائی است که باید گاوها بچرند و صاحبان این مراتع ملک خودشان را به گاو دارها اجاره میدادند و از این راه استفاده میکردند و استفاده مالک مربوط بعایدی او بود بر حسب وسعت مراتع. اخیراً که بنا شده است دولت از مالکین مراتع عشریه بگیرد چون این جنگلها را هم مال یک اشخاصی می بیند از آنها عشریه مطالبه میکند. در صورتی که گاو میری شده و سراتع را اجاره نداده اند و پولی هم نگرفته اند و دولت حقاً نباید از آنها مالیاتی بگیرد. بنده در هفتم مهرماه یک چیزی حضور محترم آقای وزیر مالیه نوشتم و تقدیم داشتم ایشان هم کاملاً اظهار علاقه مندی کردند ولی دیگر تا مدتی خبری از مازندران نداشتم. اخیراً باز اتصالاً برای من و سایر نمایندگان مازندران مینویسند که این قضیه را یک قسمی خاتمه دهید. دفعه دیگر که حضور آقا شرف شدم ایشان هم تأکید فرمودند. ولی بنده با این عقیده که دارم که باید برای سوکلین خودم بدم دیدم یک جوابهایی که آنها را قانع نکند ندارم که به آنها بدهم. این بود که خواستم در مجلس شورای ملی حضور محترم آقا عرض کنم که با اینکه ایشان شرحی به بنده مرفوم فرموده اند که باده سالیه مازندران دستور داده شده در این خصوص اقدامات لازمه بنماید ولی چون پیشکار سالیه مازندران تشریف آورده اند به طهران و اگر بخواهند باز یک مدتی طول نکشد تا جریان اداری را طی کند و مازندرانها زودتر از این زحمت خلاص شوند خوب است از همین پیشکار مالیه که طرف اعتماد دولت و مازندرانها است سؤال کنند و حکم قطعی صادر فرمایند که از سراتعی که اجاره نرفته است مالیات نگیرند. از ده ویران که ستاند خراج. یکی دیگر اینکه از گاو مرده مالیات میخواهند! نمیدانم چه طور شد که از سه چهار سال قبل گفتند گاوها باید مالیات بدهند و قرار هم این شد که هر سه سال یکمرتبه سمیزی کنند و مالیات بگیرند. سال اول و دوم هم مطابق سمیزی که کردند مالیات گرفتند اسسال هم که گاوها مرده اند همانطور مالیات میخواهند.

آقایان یخود بنده کم لطف هستند و باید هم باشند بعرایض بنده توجه فرمایند. عرب گوید: انظر ما قال ولا تنظر بمن قال. بشنوید. ببینید بنده چه میگویم یخود بنده چه کار دارید؟ به عرایض بنده گوش کنید بنده عرض میکنم حسابوا قبل ان تحاسبوا حساب بدهید قبل از اینکه شما را بحساب دعوت کنند (یعنی بنده را) ملت فوق آنچه تصور فرمایند در فشار است ابواب عدالت بکلی مسدود است. آن رعایائی که شما را انتخاب کرده اند و به مجلس شورای ملی فرستاده اند و از دسترنج و خون جگر خود ماهی دویست تومان بشما حقوق میدهند. آن رعایا. آن فلک زده ها الان دچار و اسیر چنگال مأمورین کشوری هستند. اعم از حاکم یا تحصیلداران مالیه (خوب است که آقای وزیر مالیه هم تشریف دارند) بنده عرض میکنم دیشب را نخوابیدم. علت چه بود؟ برای اینکه از ترشیز یک کاغذی به بنده رسید که در اثر فشار و سختی محصلین مالیه یک نفر در دهات ترشیز بچه سقط کرده بنده ثابت میکنم و نشان میدهم. سابقه هم دارد. رعیت از دادن مالیات مستنکف نیست!! مالیات مستقیم و غیر مستقیم خودش را سپردارند نجابت و اصالت ملت ایران حتی بخارجه ها هم معلوم شده است و فهمیده اند که این ملت اصیل و نجیب است. دیگر علت این فشارها را بنده نمیدانم برای چیست؟ بنده از بودن آقای وزیر مالیه استناده میکنم. عرض نمیکنم همه مأمورین مالیه بدهستند ولی محصلین و آنهایی که برای آتی خودشان یک حرکاتی می کنند که روح انسانیت را کدر میکنند بنده از آقای وزیر مالیه استدعا میکنم توجه فوق العاده فرمایند و از حرکات آنها جلوگیری فرمایند که اقلاً رعیت آسوده شود. مثلاً در طی ملاقات با آقای دکتر میلینو به ایشان گفتم که مأمورین مالیه فوق العاده تعدی میکنند جواب دادند که مدرک بدست من بدهید. گفتم آقا هیچ کجا سابقه ندارد که دو نفر در این قبیل موارد دست بدست هم بدهند بعلاوه چه مدرکی از این بالاتر که یک کسی ماهی سی تومان حقوق بگیرد و ماهی دویست تومان خرج کند. باید تقشیر کرد که از کجا میآورند مأمور مالیه قادر نیست بمالک تعدی کند ولی به رعیت بیچاره تا میتواند تعدی میکند و در حق آنها فروگذار نمی کند. بنده به نام عدالت و سروت و به نام انصاف از تمام همکارهای خودم خواهش می کنم که در این خصوص اقلاً با من همصدا شوند که رعیت بیچاره را از دست تحصیلداران بی انصاف مالیه خلاص کنند.

جمعی از نمایندگان - دستور.

رئیس - خبر شعبه اول سابق راجع به نمایندگی آقای میرزا حسن خان وثوق مطرح است.  
(آقای فاطمی احضار و راپورت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه اول بدوسیه انتخابات طهران رسیدگی نموده جریان انتخابات از قراری است که به عرض مجلس شورای ملی رسیده در نتیجه آقای میرزا حسن خان وثوق به اکثریت ۷۹۳ رأی از ۲۰۴۲۶ رأی حائز اکثریت شده اند شعبه صحت این انتخاب را تصدیق و راپورت آنرا تقدیم مینماید.

دشتی - بنده مخالفم.

رئیس - پیشنهاد برای جلسه دیگر. خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرخصی بیست روزه آقای ملک مدنی مطرح است کمیسیون هم تصویب کرده است.  
(اینطور خوانده شد)

آقای ملک مدنی نماینده محترم ملایر از مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی برای رسیدگی به امورات محلی از تاریخ حرکت بیست روزه اجازه مرخصی درخواست مینماید. کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب نمود.

رئیس - رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.  
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی بیست روزه آقایان میرزا محمدتقی طباطبائی و اعتبار، کمیسیون هم تصویب کرده است.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

آقایان میرزا محمدتقی طباطبائی و اعتبار نمایندگان محترم بروجرد شرحی به مقام منبع ریاست مجلس مقدس معروض داشته و از تاریخ حرکت بیست روزه برای مسافرتی که در نظر دارند. اجازه مرخصی خواسته. کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی میگیریم به مفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.  
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی پنج روزه آقای میرزا یدالله خان است که از سابق کرده حالا میخواهند با اجازه محسوب شود کمیسیون هم موافقت کرده است.

(به شرح ذیل خوانده شد)

آقای میرزا یدالله خان نظامی نماینده محترم ساوجبلاق از مقام محترم ریاست محترم مجلس مقدس بواسطه کار مهمی که پیش آمده از ۱۵ - آبان پنج روزه اجازه مرخصی درخواست نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای نظام مافی چند روزی غایب بودند و استجازه کرده اند که غیبت ایشان با اجازه محسوب شود و حقوق آن ایام را هم به کتابخانه مجلس تقدیم کرده اند.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

آقای نظام مافی نماینده محترم بوشهر نظر به مسافرتی که لزوماً پیش آمده غیبت نمودند از تاریخ هشتم آبان الی یازدهم اجازه مرخصی از مقام منبع ریاست مجلس شورای خواستند و حقوق خود را به کتابخانه مجلس مقدس تقدیم داشته کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه



موافقت قیام فرمایند.

(اغاب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. در جلسه گذشته یک لایحه از طرف وزارت مالیه تقدیم مجلس شده بود و تقاضای فوریت هم شده بود آقای وزیر مالیه هم اشاره کردند. لایحه راجع است به اجازه صدور مسکوکات نقره خارجی از ایران برای یک مدت معینی قرائت میشود. (به شرح آتی خوانده شد):

مجلس متدیس شورای ملی — بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است بموجب قانون مصوب ۲۴ مهر ۱۳۰۵ — خروج کلیه مسکوکات طلا و نقره بدون استثناء از سرحدات ایران ممنوع میباشد نیز برای آنکه در تمام مملکت پول رسمی ایران یعنی فقط قران رواج داشته و ازتند اول پولهای خارجی جلوگیری شود، هیئت دولت بموجب تصویب نامه چهارم مرداد ۱۳۰۵ استعمال روپیه را در ایران ممنوع و از تاریخ دوم آبان ماه ۱۳۰۵ — کلیه معاملات تجارتي باید در داخله مملکت بوسیله قران صورت بگیرد. بدیهی است آقایان نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که این تصمیم دولت کاملاً صحیح و اجرای آن از برای حفظ وحدت پول مملکتی لازم است. ولی چیزیکه هست تا به حال روپیه در نقاط جنوب مملکت خیلی در معاملات بکار رفته و فعلاً نیز مقادیر زیادی از آن در نواحی مذکوره وجود دارد و چون روپیه پول اسمی است یعنی به اندازه قیمت اسمی خود نقره ندارد لذا باقی ماندن مقدار روپیه که فعلاً در ایران مخصوصاً در نواحی جنوب موجود است موجب خسارت کلی دارندگان آن خواهد شد زیرا بموجب تصمیم دولت اهالی و تجارتخانهها سلباً نمیتوانند روپیه را در معاملات تجارتي بکار برند و بموجب قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ نیز از صدور آن ممنوع هستند. اگر دولت بخواهد خود روپیه را جمع آوری کرده و در عوض مسکوک نقره به صاحبان آنها بدهد این معامله علی‌الحد برای یکی از طرفین ضرر خواهد داشت زیرا اگر دولت در مقابل روپیه که جمع آوری میشود معادل قیمت مقدارنقره واقعی آن به اشخاص قران بدهد صاحبان روپیه قریب نصف متضرر میشوند و اگر بخواهد معادل قیمت اسمی روپیه به آنها قران تحویل نماید همان مقدار ضرر دولت خواهد شد. بدین لحاظ بعقیده دولت سهل طرق که نه ضرری بدارندگان روپیه وارد آید — و نه خسارتي متوجه دولت گردد آن است که مجلس مقدس اجازه بدهند تا مدت دو ماه خروج سکه‌های نقره خارجی از ایران مجاز باشد یعنی در ظرف مدت مزبور قانون ممنوعیت صدور طلا و نقره شامل مسکوکات نقره خارجی نشود. این است که به قید دو فوریت از مجلس مقدس تقاضای تصویب ماده واحده ذیل میشود:

ماده واحده — مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد از تاریخ ۲ آبان ۱۳۰۵ تا مدت شصت روز از صدور مسکوکات نقره خارجی از سرحدات ایران ممانعت ننماید. پس از انقضای مدت مزبور قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ مجدداً شامل این قبیل مسکوکات نیز شده و صدور آنها کمافی‌السابق کاسلا ممنوع بوده و جنس محسوب خواهند بود.

رئیس — فوریت اولش مطرح است. آقای آقا سید یعقوب.

(اجازه)

آقا سید یعقوب — موافقم.

رئیس — آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی — موافقم.

رئیس — آقای فهیمی (اجازه)

فهیمی — بنده هم موافقم.

رئیس — آقای زوار.

زوار — موافقم.

رئیس — آقای دادگر.

دادگر — موافقم.

رئیس — آقای فرهنگ.

فرهنگ — موافقم.

رئیس — آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی — موافقم.

رئیس — آقای عمادی.

عمادی — موافقم ولی فقط میخواستم عرض کنم این لایحه راجع روپیه تنها بود ولی اینجا بطور کلی نوشته شده است (پولهای نقره خارجی) خوب است اصلاح شود.

رئیس — در سوتیکه خود ماده مطرح میشود ممکن است بفرمائید. فعلاً فوریتش مطرح است.

آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا — مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

محمد ولی میرزا — این لایحه بطوریکه آقایان متوجه شده‌اند تازه قرائت شد و این طور هم که قرائت شد کاسلا ذهنمان باین قضیه آشنا نشد. یعنی بنده شخصاً ملتنت نشدم و چون فوق‌العاده به این لایحه اهمیت میدهم و این مسئله را هم بفتح دولت نمیدانم با تمام این مقدساتی که در آنجا نوشته شده مخالفم و با یک حساب سهل و ساده میشود ثابت کرد که این لایحه بضرر دولت است. عقیده بنده این است که اولاً یک همچو لایحه با آن نظریه آقایان دارند هیچ ضرری ندارد که طبع شود که جلو چشممان باشد و کاسلا از موادش مستحضر شویم و ثانیاً بروی بکمسیون قوانین مالیه و کمسیون مربوطه و یک شور بشود و برگردد بمجلس و این لایحه از آن لواهی نیست که ضرورت ایجاب کند فی المجلس ما با قیام و قعود رأی بدیم و بنده این را باینصورت رأی دادن مضراتش را بیشتر از نفعش میدانم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده خیلی تعجب میکنم که شاهزاده محمد ولی میرزا بقدری در این باب اظهار حرارت کردند که بنده نفهمیدم آقا بنده خودم در پشت کوه رفتم و تمام آقایان میدانند که در بنادر جنوب روپیه جای سکه ایران رواج دارد. دولت ایران و این کابینه یک کاری کرده است که حقیقه بنده تقدیس می‌کنم و آن این است که گفته است وحدت ملی محفوظ بماند و این روپیه را باید

تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان — قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد — ماده یک سرتبه دیگر قرائت میشود

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس — آقای محمد ولی میرزا — (اجازه)

محمد ولی میرزا — اولاً بنده ناگزیرم این عرض را بکنم تا در این مجلس در این چندجلسه که بنده هستم راجع بمسائل مالی و اقتصادی و بودجه که صحبت میشود یک قسمت از آقایان محترم برای پیش بردن مقاصد خودشان هیچ باظهارات آن نماینده که مخالف است توجه نمی‌فرمایند و آن مقصودی را که در نظر دارند یک طرزی جلوه‌گر می‌کنند و یک اوصافی برای آن اظهار می‌کنند که افکار مجلس را مشتت می‌کند و البته مقصود خودشان را هم پیش می‌برند. بنده کار ندارم. این هم البته یک رویه ایست برای پیش بردن مقصود نماینده باید بهر طرزی که صلاح میدانستوسل بشود برای نیل به مقصود خودش ولی در مسائل اقتصادی باید دقت کرد در این مسئله که الان مطرح است اولاً بنده همچو اظهار حرارتی نکردم که آقای آقا سید یعقوب فرمودند. بنده عرض کردم این مسئله از مسائلی نیست که یک دفعه در مجلس طلوع کند و بفوریت آن رأی گرفته شود و اگر هر آینه موافقت بشود که بروی به کمسیون قوانین مالیه و در آنجا شور بشود و توضیحاتی داده شود و یک قدری اذهان بان آشنا بشود البته بهتر است بنده که امروز این را شنیدم و الان آقای آقا سید یعقوب روزنامه را به بنده دادند که مطالعه هم نکردم. همینطور آمده و به دوفوریت آن رأی داده شده. بنده پیش خودم همچو تصور میکنم که این مسئله یک مضرات اقتصادی برای مملکت خودم دارد و این هم لازم‌اش این نیست که بکسی بر بخورد و آقایان عصبانی بشوند یا چه بگویند. اینها هیچکدام کافی نیست برای اینکه بنده عریاض خودم را اینجا عرض نکنم و البته بنده عقایدی را که دارم و چیزی را که به فهم خودم جلوه‌گر میشود اینجا عرض میکنم. آقایان هم البته اگر خواستند بنده را قانع بفرمایند ادله ذکر می‌کنند که شاید بنده هم قانع شدم پس اینجا موضوع احساسات نیست! نه صحبت شیرو خورشید است و نه صحبت تاج کیان و نه چیز دیگر!! هیچ این صحبتها در بین نیست. تمام اینها مسائل مقدس است که ما همه تعظیم و تکریم میکنیم و وزیر آن بیری که آقای آقا سید یعقوب هستند ماها هم هستیم و آن بیری را تقدیس میکنیم ولی این مسائل از نقطه نظر اقتصادی هیچ مربوط نیست. احساسات را باید کنار بگذاریم و دقت بکنیم که واقعاً این مسائل همینطور است یا نه؟ مقداری سکه خارجه در مملکت ما هست این سکه حکم یک امتعه خارجی را دارد. همانطور که استعه خارجی در مملکت ما و این دست و آن دست گشته است. در مملکت ما مسلم است سکه اصلی که رواج دارد همان قران است با آن علائمی که فرمودند (شیرو خورشید و علائم مملکت) و این را تمام دنیا و صرافان دنیا همه بخوبی آگاه و مستحضرند و اگر یک سکه دیگری هست از نقطه نظر منافع خرید

جمع کرد. اگر در طرف شمال هم چرونس یا ستاسات باشد باید جمع کنند. آخر باید وحدت ملی ما محفوظ بماند. یک مملکتی با این همه اختلاف میشود؟! لباسش مختلف! حسابش مختلف! سکه‌اش مختلف! میزانش مختلف! آنوقت بگوئیم ما وحدت ملی داریم؟! دولت از اول دوره پنجم یک قدمهائی برداشت برای وحدت ملی و میزان و مقادیر را اصلاح کرد و یک قانونی آورد بمجلس و تصویب شد که انشاءالله عملی بشود. الان در تمام جنوب دوقرائی نیست! هم‌اش روپیه است! پشت کوه شیروید روپیه است؟! در بنادر جنوب شیروید روپیه است! دولت دولت ایران، بیری بیری شیر و خورشید آنوقت پول پول بمبئی! خیلی تعجب دارد! این دولت از جهت اینکه روپیه در تمام جنوب جمع آوری بشود (صحبت مسکوک طلا و نقره نیست صحبت روپیه است. نقره خارج نمیشود صحبت سر پولهای است که در بین ایرانیها منتشر است که روپیه است) دولت آمده است یک تصویب نامه صادر کرده است که پول دوهزاری که دارای سکه شیرو خورشید و بیری و تاج کیان است رواج شود. این را میشود مخالفت کرد؟!.

شیروانی — خیر.

آقا سید یعقوب — حالا دولت آمده است این تصویب نامه را صادر کرده است قبل از اینکه این کار را بکنند روپیه در آنجا معمول بوده. از آنطرف هم ما قانون گذرانیم که مسکوک طلا و نقره مطلقاً از ایران نباید خارج شود. آنوقت تجار بندرعباس، بندر لنگه، محمره و جاهای دیگر که روپیه دارند تکلیفشان چیست؟ یا باید دولت نقره بدهد و این روپیه‌ها را جمع کند که این به ضرر دولت است. چنانکه دولت در لایحه هم اشاره کرده است که روپیه مطابق قیمتش نقره ندارد و اگر در مقام معیار بیاید و در بوته بریزند معلوم میشود که آن مقداریکه قیمت دارد نقره ندارد. اگر دولت بخواهد باندازه قیمت آن نقره بدهد ضرر می‌کند و اگر بخواهد بان اندازه که نقره دارد پول بدهد این ضرر برای آن بی‌چاره ایست که قبل از صدور این تصویب نامه این پول را داشته است. اینجاصحبت پول طلا و نقره نیست صحبت قران است....

یک نفر از نمایندگان — روپیه.

آقا سید یعقوب — بلی روپیه (از سکه خوشم میاید یادم می‌رود) این کار چه اشکالی دارد! کجای مملکت را این تصویب نامه بهم زده است؟! کاش همه تصویب‌نامهها اینطور بود نه مثل تصویب‌نامه جنگل.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بفوریت اول این لایحه، آقایانیکه

تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. فوریت ثانی و شور در خود مجلس

یعنی عدم ارجاع به کمسیون مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس — رأی گرفته میشود بفوریت ثانی این لایحه آقایانیکه



فروش میشود. مگر در بازار طهران لیره عثمانی یا پوند انگلیس داد و ستد نمیشود؟ مگر سکه‌های دیگر در ایران نیست؟ نه اینکه اینها سکه رسمی مملکت ما است اینها فقط از نقطه نظر استعمال و یکی از اقسام استعمال خارجی است که در مملکت ما جریان دارد همینطور در سایر نقاط دنیا. مثلاً اگر در پاریس اشرافی را بیک صرافخانه ببرد قبول نمیکند.

شیروانی — خیر.

محمد ولی میرزا — البته قبول میکنند از نظر اینکه طلاست و یک استعمال است و اگر سکه ما آنجا کمتر رواج دارد برای این است که داد و ستد ما با بازار دنیا کمتر است و هیچ علت دیگری ندارد. پس بچه فلسفه در پاریس یا در بازار لندن دلار آمریکا رواج دارد؟ مگر پوند انگلیس در بازار پاریس مصرف ندارد؟ اگر کسی یک چیزی بخرد و یک پوند انگلیس بدهد قبول نمیکند؟ البته قبول می‌کنند. ولی سکه رسمی فرانسه فرانک است و لوییز و اینها یک جریان خاصی دارد پس از این نقطه نظر اینها ابداً بان قضایایی که اصول بیانات آقا بود ربطی ندارد. آمدیم سرقضایای اقتصادی. بنده عرض میکنم امروز یک مقداری رویه در بنادر جنوب هست چنانکه منات طلا خیلی در آذربایجان هست. خود لایحه دولت کاملاً این مسئله را روشن کرده که عبار نقره رویه کم است و باندازه قیمتی که داد و ستد میشود نقره ندارد. اگر رویه سه قران یا چهار قران یا دو قران در آنجا مصرف میشود باین میزان نقره ندارد و امروز لایحه میباید برای اینکه این پول طرف داد و ستد نباشد. این راههای مختلف دارد. این پول در آنجا بطوری طرف داد و ستد است که ادارات دولت هم قبول میکنند. ادارات نباید قبول بکنند. پستخانه در بنادر جنوب نباید رویه را قبول بکند. باید قران قبول کند. اگر کسی بخواهد از بابت مالیات رویه بدهد اسین مالیه باید قبول نکند و بگوید قران بیاورید. در این قسمتها است که شما میتوانید تأثیر بدهید بان جملاتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند. از این قسمت که صرف نظر کنیم به بینیم امروز این رویه که مطرح مذاکره است دست کیست؟ دست این و آنست؟ خیر ما میدانیم این رویه که بایستی خروارها به بنادر جنوب وارد میکنند برای مزد عملجات نفت جنوب است اگر نفت جنوبی در آنجا نبود رویه هم در حدود جنوب پیدا نمیشد. اگر هم پیدا میشد باین اندازه نبود که دولت مجبور بشود لایحه بیاورد برای این موضوع. همان اشخاص که بارها رویه باین مملکت میآوردند برای اینکه مزد عملجات بدهند باعث این شده‌اند که رویه رواج پیدا کند عوض اینکه این طرز را پیش بگیرند اگر از یک منبع و سببی جلوگیری میکردند البته اینطور جریان پیدا نمیکرد که خانه فلان زارع هم مثلاً دو تا رویه پیدا شود که یک کسی آمده‌است یکمن خرما خریده است اگر نظر آقای آقا سید یعقوب باشد در دوره چهارم وقتی که در اینجا راجع به مسکوکات طلا و نقره قانون وضع میکردیم راجع باین قسمت خیلی مذاکره شد. دولت وقت و وزارت مالیه آمدند اینجا مدافعه کردند و با آن طرز که آقایان پیشنهاد کردند. چرا برای اینکه گفتند که باید یک مقداری از

نقره خارج بشود برود از طریق بغداد و بصره و دوبرتیه داخل مملکت شود ما هم البته با یک صداقتی قبول کردیم ولی بعد دیدیم چندین کرور نقره ما از مملکت باین عنوان خارج شد با اینکه قانون وضع کرده بودیم و قانون محترمی هم بود چنانکه اگر مثلاً چند نفری زوار سیرقتند جلو آنها را میگرفتند تفتیش میکردند که نقره و طلا چه داری؟ همه این مطالب درباره آنها جاری بود ولی گاری گاری نقره سیرند باین عنوان که سیریم و از آنطرف میآوریم در محرمه و دوبرتیه داخل خاک خودتان میکنیم و حالا میدانیم که این یک بهانه بود. حالا هم رویه را آن اشخاصیکه خروارها و میلیونها وارد کرده‌اند و رواج داده‌اند امروز جریان تجارتهای جنوب طوری است که این رویه عمده در دست خود آنها است و در دست مردم نیست. بنده باور نمیکم که یکی از تجار جنوب مثلاً در محرمه یا دزفول یا بوشهر یا جای دیگر در حجره‌اش امروز ده هزار رویه داشته باشد (بنده ده هزارش را عرض میکنم) در صورتیکه تجار جنوبی که محترم و معتبر هستند شاید خیلی بیش از این مفادیر داد و ستد میکنند ولی قطع دارم که آن تجار ده هزار رویه توی صندوقشان ندارند. پس بطور مسلم این رویه با آن نظری که آقایان دارند و دلسوزی میکنند که دست یک بیچاره‌ایست و امروز این قانون برای او اسباب ضرر میشود نیست این موضوع قانون نمیخواهد! اولاً ادارات ما که در آنجا هستند باید بگویند که از این تاریخ به بعد هیچ عنوان واسم و رسم رویه را قبول نمیکنیم و باید قران بدهید و تا حالا تصوری شده‌است که اینکار را نکرده‌اند. پس ضرر بان خورده باها وارد نخواهد شد. ما هم که قانون میگذرانیم چه میگوئیم؟ میگوئیم رویه سال هر کس هست نمیخواهیم ضبط کنیم. میگوئیم اولاً رویه رواج نیست و نباید از طرف دوایر دولتی قبول شود. از طرف دیگر وقتی این تصمیم را گرفتیم میگوئیم این رویه که ما در اطرافش صحبت میکنیم یک متاع تجارتهای است یک متاعی است که امروز سه قران قیمت دارد فردا سی شاهی قیمت پیدا میکند از میزان عیار نقره که قیمتش پائین تر نخواهد آمد. آقایان ملاحظه بفرمایند امروز که این لایحه در مجلس طلوع کرده است وضعیت بازار از نقطه نظر برات چه صورتی دارد؟ یک لیره که قیمتش چهار تومان و نیم است اگر براتش را بخواهید بگیری پنج تومان و چهار قران است برای چه اینطور شده؟ طلا که عیار معینی دارد و آن لیره که براتش را میخرند عیارش زیادتر نیست!!

آقای آقا سید یعقوب، فرضاً امروز صد پوند طلا با آتروپلان کسی ببرد در لندن قیمت آن در لندن چیست چرا امروز این پوند را در بازار وقتی میخواهند بخرند یا بفروشند چهل و شش قران قیمت دارد اما برید براتش را بخرید پنج تومان و شش قران میفروشند؟ برای چه باید چهارده قران پانزده قران تفاوت داشته باشد؟! توجه میفرمائید: دلوی این احساسات خدا شاهد است آقای آقا سید یعقوب کلاه من و شما را پر میکنند.

آقای سید یعقوب — من کلاه ندارم.

محمدولی میرزا — اینها یک مسائلی است که عرض کردم

باید احساسات را کنار بگذاریم و آقای شیروانی هم عصبانی نشوند و با همین ادله رواج بازاری بنده اول کسی هستم که قانع شوم. این است که بنده نهایت موافقت را دارم با این قانون از یک جنبه‌اش جنبه اصلیش این است که رویه و تمام سکه‌های خارجه از این تاریخ به بعد نباید در مملکت ما رواج باشد یعنی رواج رسمی نباید داشته باشند. یعنی در ادارات ما عوض مالیات و اجرت در دوایر دولتی آنها را نباید بپذیرند ولی نسبت باین قسمت مخصوصاً راجع به رویه بنده از نظر مصالح اقتصادی مملکت اینطوریکه خودم فهمیده‌ام (حالا تمام مجلس هم مخالف باشند بنده اینطور فهمیده‌ام و البته هیچ منظوری هم ندارم) اینطور تصور میکنم که خیلی نافع باشد که ما اجازه بدهیم که رویه بصورت متاع تجارتهای درآید. آنچه منظور ما است البته قیمت تجارتهای رویه است و آن علامتش برای ما محترم و مقدس نیست برای اینکه مال اجنبی است و مثل یک شمش نقره است که دولت وارد مملکت می‌کند قیمت نقره در بازارهای دنیا سبب است بهمان قیمت این را هم بخرند. بعلاوه آقا: رویه را دیگران وارد مملکت ما کرده‌اند. دولت هیچوقت سند نداده است که رویه را در مملکت ما رواج دهد. کی وارد کرده؟ برای چه وارد کرده؟ کی بانها التماس کرده که شما رویه وارد کنید امروز ما میگوئیم نمیخواهیم رویه باین صورت جریان داشته باشد. اینهم نه فقط راجع به رویه است. چرونس و سناط و سایر سکه‌های خارجی هم همینطور است.

شیروانی — پس چرا مخالفت میکنید.

محمد ولی میرزا — خوب است آقا توجه بفرمایند. مخالفت بنده از یک نقطه نظر دیگری است. حالا که میخواهید بیایید اینجا و به بنده جواب بدهید خوب است دقت بفرمائید. رویه از نقطه نظر داد و ستد تجارتهای باید معمول باشد منتهمی رسماً نباید رایج باشد. مثل شمش نقره در بورس‌های دنیا رواج دارد. در مملکت ما هم طالب و مشتری دارد یکی طالب است و میخورد. جریان تجارتهای غیر از این صورتی ندارد. امروز در دنیا نقره متزلزل فوق‌العاده دارد پول هندوستان نقره است و میخواهند پول نقره را طلا کنند و این مطالب به عقیده بنده باین سادگی نیست و خوب است آقایان بیشتر در این مسئله تفحص و تعمق بفرمایند.

رئیس — آقای شیروانی (اجازه).

شیروانی — بنده برخلاف انتظار حضرت والا هیچ اوقاتم تاخ نیست و عصبانی هم نیستم و خیلی هم خوشوقت می‌شوم و مخصوصاً این جمله را عرض میکنم که یادداشت بفرمایند امیدوارم حضرت والا تا آخر دوره ششم این رویه منفی بافی را که پیش گرفته‌اند تعقیب بفرمایند و تغییر ندهند.

محمد ولی میرزا — منفی بافی نیست.

شیروانی — این اسباب خوشوقتی عده از آقایان خواهد بود که ایشان همین رویه نقادی را تعقیب بفرمایند تا ما هم بتوانیم در نتیجه از این نقادی استفاده کنیم و بر قانونی که امروز از مجلس میگذرد بیشتر دقت شود و اگر نواقصی دارد باین وسیله رفع شود و امیدواریم که این رویه شخصی ایشان باشد نه رویه سیاسی

که یک روزی هم تغییر کند. فرمودند یک سمانلی من از نقطه نظر اقتصادی میگویم و دیگران میآیند و افکار مجلس را مشتت می‌کنند و بالاخره نتیجه این میشود که ایشان یک مسائل صحیحی را میگویند و دیگری میآید مسائل سقیمی را اظهار می‌کند و مجلس هم قسمت ثانی را می‌پذیرد. بنده که به سهم خودم زیر این بار نیروم و این را قبول ندارم حالا اگر سائرین زیر این بار میروند که در نتیجه تشتت افکار یک قوانینی تصویب میشود نمیدانم! اما راجع به اقتصاد شرحی فرمودند بنده تصدیق میکنم که از نقطه نظر شخصی حضرت والا یک شخص مقتصدی هستند ولی از نقطه نظر علمی تصور میکنم این اندازه که ایشان اطلاعات دارند دیگران هم دارند و همچو نیست که ایشان یک اطلاعاتی زیادتر از اطلاعات دیگران داشته باشند. مسموعات ایشان را سائرین هم شنیده‌اند و البته اگر بخواهیم زیاد در این باب اظهار اطلاع کنیم آنوقت همانطور که خودشان فرمودند افکار را مشتت میکنیم پس خوب است بگذاریم نظریات اقتصادی را همان علماء علم اقتصاد بیان کنند. فرمودند واحد مقیاس مملکت ما قران است و رویه و چرونس لیره نیست. این صحیح است. آقا سید یعقوب هم همین را گفتند. فرمودند: چون واحد مقیاس ما قران است لذا نباید پول دیگری در مملکت ما غالبیت و اکثریت داشته باشد و بالاخره پستخانه شما نباید بگیرد و بگوید چون رویه در فلان جا رسمیت ندارد من قبول نمیکنم و قران قبول میکنم. آقای آقا سید یعقوب هم همین را گفتند و نکته هم همین جا بود منتهمی حضرت والا نخواستند توجه بفرمایند. فرمودند ما میخواهیم از نقطه نظر تجارتهای و اقتصاد صحبت کنیم ما هم همه میخواهیم در این موضوع حرف بزنیم و نظرمان این است که آن لاابالی گری‌های سابق دوباره تجدید و تکرار نشود. اینها یک مسائلی است که دارد رو به اصلاح می‌رود. افکار عمومی و فهم عمومی به این مسائل متوجه شده و دولت‌ها هم در نتیجه انکار عمومی به اهمیت مساله پی برده و این لایحه را به مجلس تقدیم کرده است. افکار حضرت والا مال آن روزی است که اهمیت به این مسائل نمیدادند ولی امروزه ما اهمیت میدهیم و معتقدیم که سکه خودمان باید در مملکت رواج داشته باشد نه اینکه پول دیگری در یک قسمت مملکت اغلبیت داشته باشد. از نقطه نظر مال التجاره طلا و نقره صحیح است و هر پولی را ممکن است در بازار در ترازو بگذارند و بسنجند به بینند چقدر طلا و نقره دارد و به همان اندازه خرید و فروش کنند. اما رویه اینطور نیست زیرا ممکن است مثلاً از نظر مقدار نقره سی و پنج شاهی نقره داشته باشد ولی در مقابل دو ریال بما بدهند. پس ما نباید از لحاظ سکه زیر این بار برویم که پول دیگران بطور سکه در یک قسمت از مملکت ما رواج باشد حضرت والا اگر قدری دقت بفرمایند اهمیت موضوع را بی‌خواهند برد. الا از در جنوب رویه اکثریت پیدا کرده و جای قران را گرفته. موضوع موضوع تجارتهای نیست!! اینکه فرمودید در بازارهای دنیا لیره را قبول می‌کنند خوب بود میفرمودید و اسم می‌بردید که در کجا نقره را قبول می‌کنند؟ در بازار لندن آیا دو قران محمد علی شاهی را قبول میکنند؟ نه در آنجا بلکه در هیچ جای دیگر حتی در بغداد



هم حالا دیگر قبول نمی کنند. آن چیزی را که شما ملاحظه میکنید در بازار دنیا قبول می کنند طلا است. بلی اشرقی را چون زیادتر از قیمتش طلا دارد قبول می کنند نه از نقطه نظر سکه ولی رویه در جنوب حال سکه را پیدا کرده و از نقطه نظر سکه داد و ستد میشود و این خیلی با این مسأله فرق دارد. اینکه فرمودید در دوره چهارم یک موضوعی راجع به منع خروج طلا و نقره از سرحدی بسرحد دیگر در مجلس طرح شد گویا قصدتان کاپوتناژ بود. در این موضوع هم اگر آن اوقات یعنی در دوره چهارم دولت وقت یک مراقبت عمیقی نکرده و پیرلهای طلا و نقره شما را به این عنوان که از سرحد بسرحد دیگر خودتان یعنی از بوشهر به بحر میبرند و در نقاط نفت جنوب خرج کنند نبرده و در بغداد برده و نقره اش را آب کرده به مصرف رسانده اند این ربطی به امروز ندارد. البته امروز در این قسمت هم باید بدولت تذکر داد که در قسمت کاپوتناژ هم که اجازه میدهند طوری اجازه بدهند که گمرک بوشهر و محمره هم اطلاع داشته باشد و بداند چقدر طلا و نقره حمل شده است و در آنجا تحویل بگیرند. حضرت والا موضوع این لایحه را کج کردند و رفتند سر لایحه که چند روز قبل تصویب شد و گویا امروز هم مخالف بودند. اساساً ایشان منع طلا و نقره را مخالف بودند و آن روز هم جواب کافی به ایشان و سایر مخالفین داده شد و گفتیم در مملکتی که معادن طلا و نقره اش استخراج نشده و امروز بیش از همه چیز احتیاج به مسکوک طلا و نقره دارد در چنین مملکتی نباید جلوطلا و نقره را ول کرد و آزاد گذاشت که متصرف خارج شود. بلکه بعکس باید جلو خروج را گرفت و حتی الامکان سعی باید کرد که طلا و نقره از چنین مملکتی خارج نشود.

محمودولی میرزا - اخطار دارم.

رئیس - نظامنامه را ملاحظه فرمائید. در موقعی که ناطق مشغول حرف زدن است نمیتوان اخطار کرد.

محمودولی میرزا - مطالب بنده را سوء تعبیر کردند.

رئیس - بی اجازه هم حرف نزنید.

شیروانی - امروز حضرت والا عقیده داشتند که با طلا و نقره هم مثل مال التجاره رفتار شود و بگذارند خارج شود. آقای فرمند هم صحیح است میفرمودند.

فرمند - بنده صحیح است نگفتم.

شیروانی - بسیار خوب. فرمودید بهتر. پس آن موضوع ارتباطی با این موضوع نداشت که از اول تا آخر نطقشان مربوط به آن موضوع بود. اینجا حرف سر این است که دولت منع می کند سکه خارجی مثل مسکوکات ایران یعنی مثلاً دو هزاری و پنج هزاری در مملکت رایج و معمول باشد و بالاخره در تمام مملکت باید مسکوک مملکت ایران رواج داشته باشد نه مسکوک خارجی. مقصود بطور رسمی است والا ممکن است آنها را در ترازو بگذارند و از روی میزان نقره بفروشند. مقصود این است که یک سکه که در لندن رسمیت و قیمت دارد. در مملکت ما رواج رسمی نداشته باشد. و بنده معتقدم که هیچ وطن پرستی این اجازه را نخواهد داد. فرمودند خوبست پستخانه و ادارات دولتی قبول نکنند بنده عرض

با خروج رویه سواقتم و معتقدم که در تمام مملکت باید دوقرانی خودسان رواج داشته باشد اما از نقطه نظر طلا. بنده در موقعی که قانون منع خروج طلا و نقره مطرح بود عرایضم را عرض کردم ولی پسند آقایان واقع نشد.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

فرمند - بلی صحیح است. اما عقیده بنده هم تغییر نکرده و اتفاقاً وضعیت هم نشان میدهد که عقیده من بی اساس نبوده آرزوییکه ما بآن قانون رأی دادیم برات لیره انگلیس چهار تومان نه قران - نه قران و دهشاهی بود و عین لیره چهل و پنج هزار بود بعد آمد عین لیره چهار تومان و شش قران شد ولی قیمت برات به پنجاه و دو قران پنجاه و سه قران رسیده. بنده آن روز هم که خدمت آقایان عرض کردم وقتی که تجار ما در ممالک خارجه اعتبارات شخصی ندارند نباید دست آنها را بست بلکه باید دست آنها را باز گذارد و بآنها اجازه داد که شمش طلا یا مسکوکات طلا با خودشان ببرند الا در طهران اگر یک نفر تاجر بخواند صد هزار لیره بفرستد به لندن باید هفتاد هزار تومان خسارت براتی بدهد. در صورتیکه همین لیره را میتوان بخرد و با بست بفرستد و این ضرر ندارد و غیر از مملکت ما هم همه جا بیمه هست فقط تا سرحد ما است که بیمه ندارد زیرا لیره انگلیس چه طلا باشد چه کاغذ در لندن فرقی ندارد. و اینکه بنده پیشنهاد کردم که مسکوک طلای خارجی یعنی لیره انگلیس و عثمانی هم در خروج آزاد باشد از همین نظر است و معتقدم که دوهزاری سان رواج باید پیدا کند و رویه هم که خارج میشود بصورت مال التجاره برگردد این نکته را هم بعرض رساندم که ثروت ملی در دنیا امروزه طلا و نقره محاسب نمیشود بلکه هرملتی که بیشتر کار میکند و بیشتر محصول بیرون می آورد و از محصول خودش بیشتر استفاده می کند او ثروت ملیش زیادتر است والا اگر از آسمان طلا هم بریزد فایده ندارد. ما نباید این اندازه غصه طلا و نقره را بخوریم. حالا برای اشرقی اگر غصه بخوریم چندان عبی ندارد زیرا برای ایام عید و دادن عیدی لازم داریم مقصود ما از تمام این کارها این است که تجار ضرر نکنند و استفاده نمایند ولی این کاریکه ما کرده ایم به طوریکه بنده حساب کرده ام هر لیره ای شش هشت قران براتش تفاوت دارد و در صد هزار لیره هفتاد هزار تومان ضرر تجاری میشود. و معلوم هم نیست این پول به جیب کی میرود به جیب وهم... و هم چیست؟ این است که ما امروز حساب پنجاه سال قبل را می کنیم که ثروت ملی طلا و نقره بوده است و حال اینکه امروزه دیگر آن فکر پیش علماء اقتصاد نیست و اینکه طلا را حبس می کنند برای خاطر اعتبار اسکناس است این بود عرایض بنده و استدعا دارم آقایان یک قدری بیشتر در عرایض بنده توجه فرمایند.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه).

شیروانی - اظهارات آقای فرمند شبیه به اظهارات سایرین نبود. ایشان درست آن اوقاتی را که در اروپا بوده اند تصور میکنند در همان محیط ایستاده و خیال میکنند در همان کلاس درستند. از این جهت یک اصل مسلمه را که راجع به تجارت خواننده و پیشنهاد میکنند و میگوید دولت باید مساعی خودش را اعمال کند برای اینکه مقدار کافی سکه داخلی را به این نقاط بفرستد تا تجار بتوانند معامله بکنند بدیهی است مادم که یک سکه در یک نقطه رواج دارد و مورد معامله تجار است پستخانه یا تلگراف خانه یا سایر ادارات دولتی نمیتوانند آنرا قبول نکنند و اگر بخواهند اینکار را بکنند اسباب ضرر تجار و مردم خواهد بود. بنده تصور نمیکنم آقایان راضی بشوند که حتی تجار خارجی هم اگر سکه خارجی داشته باشند و در مملکت رواج داشته باشد آنها هم ضرر میکنند پس بایستی عادلانه در اینکار اقدام کرد و بهترین طریق اقدام هم همین است که پیشنهاد شده و برای اینکه دولت هم از سکه خارجی محفوظ بماند و هم اسباب ضرر دولت و مردم فراهم شده باشد این لایحه را به این ترتیب تقدیم کردیم و بدیهی است وقتیکه دولت بخواهد اینطور جلوگیری از رواج سکه خارجه در مملکت بکند ناچار است یک ضرب الاجلی قرار دهد و تصور نمیکنم غیر از این یک راه دیگری داشته باشد و بنده خیلی قدرشناسی میکنم از احساسات اکثریت مجلس شورای ملی که به زودی به اهمیت نکته پی برده و در این باب اظهار سواقت میفرمایند و امیدوارم بزودی این لایحه تصویب شود تا احکام لازمه هم صادر و بموقع اجراء گذارده شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که عرض مسکوک نقره فقط مسکوک رویه باشد.

عمادی - آقای وزیر مالیه در لایحه خود دلیلی که اقامه فرموده بودند فقط کسر قیمت رویه بود و چون فقط دلیلشان این بود لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که فقط مسکوک رویه اجازه داده شود که در این دو ماه از مملکت خارج شود نه مسکوک دیگری.

وزیر مالیه - عرض میکنم نظر آقا صحیح است و مقصود هم همین منظور آقا است و آقایان نمایندگان هم البته اطلاع دارند که مالیه در ایران سکه خارجی که طرف معامله باشد غیر از رویه چیز دیگری وجود ندارد و سکه های دیگر از بین رفته است ولی چون دولت ذکر رویه را منحصرأ در قانون مناسب ندید لذا اینطور پیشنهاد کرد والا نظر دیگری در پیش نبود.

عمادی - بنده پس گرفتم.

رئیس - پیشنهاد آقای فرمند قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام سنج ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده اینطور اصلاح شود مدت دو ماه پنج ماه باشد و مسکوک طلاهای خارجی بعد از نقره اضافه شود.

رئیس - آقای فرمند (اجازه).

فرمند - عرض میکنم بنده از نقطه نظر اینکه پول ما نقره است و در مملکت باید مسکوکات نقره خودسان رواج داشته باشد



دیده اند همانها را فقط در نظر می گیرند و اظهار می فرمایند . تصور نمی فرمایند که در ایران واقع شده اند البته اگر یک روزی در نتیجه اجرای همین قانون آن مسائلی را که ایشان در نظر دارند و می فرمایند ما توانستیم احراز کنیم یعنی یک روزی اگر ما کار ثروت ملی خودمان را بجائی رساندیم که طلا و نقره ثروت ملی ما محسوب نشد ممکن است این افکار را قبول کنیم ولی باید تصدیق کرد که در همان ممالکی که ثروت ملیشان طلا و نقره نیست فرضاً در مملکت فرانسه تا در بانگهای فرانسه یک مقدار طلا موجود نباشد قیمت فرانک ترقی و تنزل نمی کند و هر قدر از میزان طلای او کاسته شود از قیمت فرانک کاسته میشود و به همین سناسبت است که می بینید در تمام دنیا قیمت پول های کاغذی بالا و پائین می رود وقتی که پولهای کاغذی شما بتواند تطبیق کند با طلائی که در مملکت موجود است آنوقت طلا و نقره را ثروت ملی محسوب نکنند آن مطلبی که حضرت عالی می فرمائید در جای خودش صحیح است ولی امروز گفتگو در این است که می خواهیم رویه برداشته شود برای اینکه مقداری رویه در دست تجار ما هست و اینها در مقابل خود یک مانع قانونی می بینند یعنی اگر نگاه دارند و شمش درست کنند ضرر می کنند و اگر هم بخواهند خارج کنند که قانون آنها را منع کرده بنابراین تقاضا کرده اند که یک مدتی به آنها اجازه داده شود که رویه خود را بیرون بفرستند. در این صورت هیچ ارتباطی با این موضوعی که فرمودند ندارد . رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فرزند رأی هم قطعی است آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند . (معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقا سید یعقوب . (اینطور قرائت شد) مقام محترم ریاست. پیشنهاد می کنم در ماده واحده پس از کلمه بیستم آبان نوشته شود پس از تصویب این قانون. رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه).

آقا سید یعقوب - بنده اساساً خارج از نزاکت نمی شوم ولی خواستم به شاهزاده محمد ولی میرزا عرض کنم که بنده عمامه سرم هست. کلاه سرم نیست. آقایان شما همیشه باید این ملاحظه را داشته باشید و تا قانون از مجلس نگذرد نباید کاری بکنند. ما حقیقتاً گرفتاریم آقایان وزراء یک کاری را می کنند بعد از اینکه تمام شد آنوقت می گویند امضاء کنید. آقایان وزراء شما مسئول قانون هستید هیچ حق ندارید این کار را بکنید وقتی که قانون گذشت آنوقت اجرا کنید یک عده ای هم در مجلس موافق با شما هستند و پیش شما گیر هستند چه کار کنند؟ حاکم شما قانون است شما باید قانون را اجرا کنید!! حالا تذکر میدهم بعد از این هم استیضاح میکنم. تا قبلاً کاری نکنند بعد بیایند اجازه اش را از مجلس بگیرند!!

وزیر مالیه - گمان میکنم این تذکره آثار تحصیل نامه ایست. البته دولت خوب میدانند که بایستی قانون را حاکم خود بداند و آنچه را که از تصویب گذشت اجرا کند. در اینجا که نوشته شده بود بیستم آبان برای این بود که این قانون قبل از بیستم آبان تقدیم

مجلس شده و هنوز بیستم آبان نشده... (خنده نمایندگان).

بعضی از نمایندگان - بیستم آبان گذشته است.

وزیر مالیه - گذشته است؟ بسیار خوب ولی این قانون قبلاً تهیه شده بود و به واسطه گرفتاریهایی که پیش آمد عقب افتاد. چنانچه الان هم بنده تصور میکردم قبل از بیستم آبان است و همینطور که قبلاً عرض کردم چون تصور میشد آقایان کاملاً موافقت می فرمایند و به فوریت تصویب می شود به این جهت بیستم آبان نوشته شده بود نه اینکه قبلاً عمل شده باشد. رئیس - بنابراین موافقت می فرمائید؟ وزیر مالیه - البته.

رئیس - بنابراین بیستم آبان (۱۳۰۵) حذف میشود و بجای آن پس از تصویب این قانون گذاشته میشود. آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده - نظر بنده هم تأمین شد.

رئیس - پیشنهاد شاهزاده فیروز میرزا.

(به شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده به ترتیب ذیل اصلاح شود: نظر به اینکه در ممالک محروسه ایران غیر از سکه ایرانی نباید رواج داشته باشد مجلس شورای ملی الی آخر.

وزیر مالیه - بنده قبول میکنم ولی مقصود سکه نقره است.

رئیس - اگر مقصود سکه نقره باشد باید کلمه نقره اضافه شود. فیروز میرزا - بنده کلیه سکه را پیشنهاد کردم اجازه فرمائید توضیح بدهم.

رئیس - بفرمائید.

فیروز میرزا - این پیشنهادی را که بنده کردم برای این است که یک مسأله مذاکره شد که در سبنای امر برای اینکه هر مسأله به یک صورت قانونی خوبی در بیاید لازم است آن موضوع به کمیسیون مربوطه برود و مطرح شود و به همین جهت یک موضوعی که به فوریت و عجله مطرح میشود یک قدری مشکل میشود. مثلاً بنده دیدم آقای شیروانی در ضمن مدافعاتشان اظهار کردند که ما قانون می گذرانیم که مسکوک خارجی رواج نداشته باشد ولی در این ماده که آورده اند و ما الان میخواهیم تصویب کنیم همچو چیزی نیست فقط نوشته است که مجلس اجازه میدهد تا دو ماه مسکوک نقره خارجی را بیرون ببرند و هیچ ذکر علت در قانون نشده است. در مقدمه ذکر علت شده است ولی مقدمه قانون نیست والا بطور تصویب نامه ممکن بود این کار را بکنند ولی تصویب نامه هم قانون نمیشود و ما میخواهیم مسکوک خارجه از رواج بیفتد بنابراین بایستی در قانون ذکر شده و تمام مدافعاتی که شد سببی بر این بود که ما میخواهیم سکه خارجی رواج نداشته باشد حالا آقای وزیر مالیه این پیشنهاد را قبول فرمودند و می فرمایند مسکوک نقره باشد. اینجا ممکن است بنده هم با نظریه ایشان موافقت کنم و پیشنهاد را اصلاح کنم ولی یک نکته را میخواهم به ایشان تذکر بدهم اگر قانع نشدند بنده هم با ایشان موافقت میکنم. یک مسکوک طلائی که در بازار خرید و فروش میشود آیا

صحیح است) آقای عمادی عم گویا پیشنهاد خودشان را پس از توضیحات آقای وزیر مالیه مسترد کردند.

عمادی - بلی.

آقا سید یعقوب - ایشان پس گرفتند بنده که پس نگرفتم. بعد از اینکه این مقدمه را شاهزاده پیشنهاد کرد و آقای وزیر هم قبول فرمودند حالا بنده مخالفم و عقیده ندارم کلمه مسکوک نوشته شود آن وقت از فردا در بازار شروع میکنند که بپرده را جمع کنند و چون این مقدمه در ماده زیاد شده است بنده پیشنهاد میکنم مسکوک نقره نوشته شود.

رئیس - گویا درست توجه نفرمودید در قرائت ماده نظریه حضرت عالی تأمین شده است. مجدداً قرائت میشود.

(به شرح سابق خوانده شد)

رئیس - پیشنهاد تجزیه شده است.

دادگر - خوبست چند دقیقه تنفس داده شود.

رئیس - تمام کارها مان را کرده ایم فقط رأی گرفتن مانده است.

دادگر - بعضی مطالب هست که باید یک قدری در آنها تأمل کرد و به عقیده بنده تنفس یکی از موارد خویش همین جاست و بعضی مواقع پیش می آید که ممکن است با مختصر تأملی مطلب را درست کرد از این توضیحاتی که داده شد واقعاً عقیده بنده متشتت شد و محتاجیم که یک مشاوره هائی بکنیم تا اینکه بعدها یک تلفاتی نداشته باشیم.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - بنده از اول همین نظری را که آقای دادگر دارند داشتم و با فوریت هم مخالف بودم و همیشه هم با این قبیل لوايح که تقاضای دو فوریت میشود مخالف هستم چون درست قضیه روشن نمیشود ولی بعد از توضیحاتی که داده شد سلطنت شدم که مسأله ساده است فقط نظر به اینکه قانون بیست و چهارم مهر منع میکند خروج طلا و نقره را و رویه هائی که در جنوب جمع شده است اسباب زحمت برای تجار فراهم کرده است تقاضا کرده اند که برای مدت دو ماه اجازه داده شود رویه خارج شود. حالا ما هر قدر هم نگر کنیم بالاخره اصل موضوع اینست و چون همه قسم صحبتها شده است بعینه بنده باید رأی گرفته شود و کار تمام شود. رئیس - (خطاب به آقای دادگر) پیشنهادتان را مسترد میدارید.

دادگر - خیر. بنده قانع نشدم.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دادگر آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. ماده تجزیه میشود به این ترتیب از «نظر به اینکه» تا «مجلس شورای ملی».

یاسائی - سابقه ندارد.

رئیس - چرا خیلی سابقه دارد به قوانین مراجعه کنید. رأی گرفته میشود به قسمت اول ماده یعنی آن قسمتی که اضافه شد و

این خرید و فروش و مبادله را اسمش را رواج می گذارید اگر اسم این را رواج بگذارید از نقطه نظر اصطلاحی این رواج نیست، بلکه رواج مربوط به پولی است که از نقطه نظر مملکت رواج داشته باشد اما اگر از نظر خرید و فروش باشد فرق نمیکند امروز یک رویه یا لیره یک قیمت دارد. فردا یک قران زیاد یا کم میشود حالا اگر آقای وزیر مالیه پیشنهاد بنده را همانطور که هست قبول بفرمایند که هیچ والا بنده نظر ایشان را قبول میکنم.

وزیر مالیه - بنده درین قسمت هم موافقم ولی سکه طلای خودمان هم در مملکت رواج ندارد و فقط پول نقره ما رواج است.

رئیس - آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - اساساً بنده مخالف این جمله هستم که درین جا اضافه شود. برای اینکه پول رواج مملکت ما و سکه ما همان سکه مملکت خودمان است. هیچ سکه در مملکت ما رواج نیست که ما قانون وضع کنیم که از رواج سکه خارجی جلوگیری کنیم و بعقیده بنده این یک نوع تذکر خوبی نیست که در مجلس اظهار شود زیرا در مملکت ما پول خارجی رواج نیست مملکت ما رسماً از خودش سکه دارد. یک وقت در یک گوشه از مملکت ممکن است سکه خارجه بیاید و زیاد شود که صورت رواج بخود بگیرد. دولت بدون گذراندن قانون مکلف است جلو رواج سکه خارجی را بگیرد ولی حالا ما قانون وضع کنیم که سکه ایران سکه ایرانست چندان کار خوبی نیست. البته سکه ایران سکه ایران است و حالا ما بیائیم یک همچو عبارتی اینجا اضافه کنیم که سکه خارجی اینجا رواج نیست گویا لازم نباشد اصلاً سکه خارجی اینجا رواج لازم نیست که ما قانون برای آن بگذاریم. در یک گوشه مملکت ممکن است سکه خارجی زیاد وارد شود که صورت سکه رسمی بخودش بگیرد دولت مکلف است اصلاً جلو آن را بگیرد این است که بنده کاملاً با اضافه این جمله مخالفم.

رئیس - آقای فیروز میرزا. (اجازه)

فیروز میرزا - یک توضیحی میتوانم عرض کنم؟

رئیس - در پیشنهاد نمیشود دوسر تبه توضیح داد. یک سرتبه دیگر قرائت میشود.

(به شرح سابق خوانده شد)

شیروانی - بنده تقاضای تجزیه میکنم.

رئیس - ماده با مقدمه اش قرائت میشود.

(به شرح آتی قرائت شد)

ماده واحده - نظر به اینکه در ممالک ایران غیر از سکه ایرانی نباید رواج داشته باشد مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شصت روز از صدور مسکوکات نقره خارجی از سرحدات ایران سمانعت ننماید. پس از انقضای مدت مزبور قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ مجدداً شامل این قبیل مسکوکات نیز شده و صدور آنها کما فی السابق کاملاً ممنوع بوده و جنس محسوب خواهند بود.

رئیس - بنده میخواستم تذکره عرض کنم اگر مجلس قبول

کند کلمه ممالک به مملکت تبدیل شود (بعضی از نمایندگان -



وزیر مالیه هم قبول کردند. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود به قسمت دوم ماده که پیشنهاد خود دولتست با اصلاحاتی که شد و قبول هم کردند. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود. به مجموع هردو قسمت. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. حالا تنفس داده میشود. (درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده.

(این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم راپرت کمیسیون مبتکرات مطرح شود.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - مسأله الغاء مالیاتهای صنفی مدتیست راپرت آن از کمیسیون بیرون آمده و جلسه پیش جزء دستور بود ولی چون ظهر گذشته بود و آقایان کمالت داشتند مطرح نشد مذاکرات زیادی هم لازم ندارد. فقط باید به قابل توجه بودنش رأی گرفته شود و ارجاع به کمیسیون شود.

شیروانی - بنده مخالفم.

رئیس - جزء دستور بود ایشان تقاضا میکنند در دستورمقدم باشد. آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - یک ماده از قانون پریروز باقی است اگر اجازه میفرمائید آن را تمام کنیم بعد این را مطرح کنیم.

حائری زاده - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

حائری زاده - بنده از آقای شیروانی استدعا میکنم این را مقدم بدارند زیرا ممکن است در کلیات آن قانون زیادسدا کرده بشود ولی این هیچ مذاکره ندارد و یک رأی مختصری لازم است و ممکن است بعد از گذشتن این مسأله آن را مطرح کنند.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حائری زاده که خبر کمیسیون مبتکرات راجع به الغاء مالیاتهای صنفی مقدم در دستور باشد. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - موافقم.

رئیس - آقای شیروانی.

شیروانی - موافقم.

رئیس - آقای فاطمی.

فاطمی - موافقم.

رئیس - آقای دادگر.

تماماً متوجه به این باشد بنده که مخالفم در اینجا از نقطه نظر ماده سوم است که آنروز هم عرض کردم و داد و فریاد هم کردم و بالاخره تصویب شد ولی باید عرض کنم که هنوز بر ما معلوم نیست که چه اختیاراتی به این مستخدمین میدهند و چه تعدیات و حرکات بی رویه از اینها ناشی میشود، خوبست مجلس در این قضایا بهتر قضاوت کند، ما یک مستخدمینی آوردیم که باید اینها رادر تحت عمل بیاوریم ولی امروز ملت ایران تمام داد و فریاد دارند، آقای فاطمی میفرمایند کمتر صحبت کنید! بنده عرض میکنم هنوز مخارج انتخابات ولایات را نداده اند!! ما ژورنال میگویم «چون نظریات من در انتخابات تأمین نشده از این جهت نمیدهم» و همینطور راجع به اصفهان که مخارج انتخابات را نمیدهند و همینطور نسبت بجاهای دیگر!! اینها تا این اندازه ما را اختناق کرده اند!! بنده عقیده ندارم که به اینها اینقدر اختیار داده شود و تا این اندازه قوت داشته باشند که ما را اختناق کنند، بنده میگویم تمام کارها باید بر سبیل قانون باشد و حکومت حکومت ایرانها باشد زیرا اینها مستخدمین ایران هستند ما ساده سه را نوشتیم و عطف به سایر سوادشان کردیم، بنده میگویم «همان سواد سابق خانه ما را خراب کرده است و حالا که ما از قضایا مطلع شده ایم و همه نمایندگان مستحضر شده اند خوبست به اختیارات اینها نظر بکنیم و به این ادارات کیف سایشائی یک نظر بیشتری بکنیم» و بهتر این بود که این ماده برگردد به کمیسیون و فردا که ما دوازده نفر به عنوان نقشه برداری استخدام میکنیم ملاحظه خواهید نمود که بطور مطلق حکومت میکنند این عرایض بنده بود راجع به این ماده که عرض کردم دیگر بسته به نظر آقایان است.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - بعضی مطالب است که ارتباط با مطلب ندارد ولی باید گفته شود. فرضاً وقتی ما یک مستخدمی داشته باشیم مادام که مسمم به برداشتن او نباشیم بنده عقیده ندارم که در این بین ها می او را بگیریم... آقا سید یعقوب - او باید ما را بگذرد؟ دادگر - بنده خودم در تمام ادارات برده ام و با غالب ادارات تماس داشته ام و از اصلاحاتی که در این مدت شده بنده مطلعم و میدانم که اوضاع مملکت چقدر رو به ترقی و بهبودی رفته و البته مسؤولیت هم بدون اختیار نمیشود منتها اگر نواقصی در کار هست اینها را باید با زبان لین گفت و اصلاح آنرا خواست و البته با زبان لین هم بهتر اصلاح میشود والا می نباید بدگویی کرد و متصل تنفیذ کرد.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - بعضی مطالب است که ارتباط با مطلب ندارد ولی باید گفته شود. فرضاً وقتی ما یک مستخدمی داشته باشیم مادام که مسمم به برداشتن او نباشیم بنده عقیده ندارم که در این بین ها می او را بگیریم... آقا سید یعقوب - او باید ما را بگذرد؟

دادگر - بنده خودم در تمام ادارات برده ام و با غالب ادارات تماس داشته ام و از اصلاحاتی که در این مدت شده بنده مطلعم و میدانم که اوضاع مملکت چقدر رو به ترقی و بهبودی رفته و البته مسؤولیت هم بدون اختیار نمیشود منتها اگر نواقصی در کار هست اینها را باید با زبان لین گفت و اصلاح آنرا خواست و البته با زبان لین هم بهتر اصلاح میشود والا می نباید بدگویی کرد و متصل تنفیذ کرد.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - بعضی مطالب است که ارتباط با مطلب ندارد ولی باید گفته شود. فرضاً وقتی ما یک مستخدمی داشته باشیم مادام که مسمم به برداشتن او نباشیم بنده عقیده ندارم که در این بین ها می او را بگیریم... آقا سید یعقوب - او باید ما را بگذرد؟

(اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس - اخذ اوراق رأی تمام شد.

[تعداد آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد:

ورقه سفید علامت قبول ۲۳، ورقه کبود علامت رد ۵]

یک خساراتی بدولت وارد آورد. بنده اصولاً با این مالیاتهای صنفی کاملاً مخالفم و البته باید موقوف شود لکن در ضمن یک مسأله کلی نباید یک نظریاتی گرفت که مخالف صلاح مملکت باشد.

بعضی از نمایندگان - مخالف صلاح مملکت نیست.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - بطوریکه آقای حائری زاده فرمودند قانون مخصوصی برای برقراری مالیاتهای صنفی از مجلس نگذشته است و فقط در ضمن بودجه های مالیات مجلس رأی داده است، و به همین مناسبت کمیسیون مبتکرات در نظر گرفت که چون مربوط به خرج و دخل مملکتی است به کمیسیون بودجه مراجعه شود چون رأی که مجلس در این خصوص داده است فقط در ضمن بودجه سالانه و برای یک سال بوده است، و اینکه فرمودند خوبست مطالعات بیشتری بشود که به بینیم مبلغش بیشتر یا کمتر است. ما عجله این طرح را به قابل توجه بودنش رأی میدهم بعد که رفت به کمیسیون بودجه به سایر قسمتها رسیدگی میشود و البته دکتر میلسپو و هیئت دولت هم در آنجا می آیند و نظریات خودشان را اظهار میکنند و اگر بنا بشود ما معطل شویم تا دولت لایحه در این خصوص تنظیم کرده و به مجلس بیاورد همانطوریکه در دوره پنجم معطل شدیم در این دوره هم موفق نخواهیم شد این مالیات را نسخ کنیم و البته آقایان راضی نخواهند شد که یک مالیات ظالمانه باقی بماند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن خبر کمیسیون مبتکرات آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد، خبر کمیسیون بودجه راجع به ماده چهارم قانون استخدام مهندسی امریکائی که در جلسه گذشته ارجاع به کمیسیون شده بود مطرح است.

(به شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه پیشنهادات آقایان شریعت زاده و ضیاء را تحت مذاقه و شور قرار داده و با مختصر اصلاحی ماده ذیل را به عنوان ماده چهارم لایحه استخدام دوازده نفر متخصصین امریکائی تنظیم و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید. ماده چهارم - وزارتین فوائد عامه و مالیه هر یک در حدود اختیارات و وظائف قانونی مربوطه بخود مأسور اجرای این قانون خواهند بود.

رئیس - مخالفی ندارد؟ گفته شد «خیر».

رأی گرفته میشود به این ماده آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. شوردر کلیاتست، آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - رئیس محترم کمیسیون بودجه فرمودند که بنده عرض نکنم ولی بنده ناچارم عرایضم را عرض کنم اما خیلی قصیر و کوتاه عرض میکنم برای اینکه هم هیئت دولت متذکر شوند وهم ذهن آقایان نمایندگان حاضر باشد برای زمان آتی که ما در نظر داریم، روش دولت و مأسورین دولت مخصوصاً ادارات مالیه



رئیس - عده حضار هشتاد و شش نفر، به اکثریت شصت و سه رأی تصویب شد.

## اسامی موافقین

آقایان دشتی - آقاسید ابوالحسن حائری زاده - حاج میرزا آقا فرشی - کمی استوان - میرزا عبدالاسیرخان نگهبان - میرزا علی حقنویس - احتشام زاده - میرزا حسین خان دادگر - شیروانی - دکتر سنگ - میرزا حسن علی خان فرمند - آقامیرزا سید علی عمادی - امیر حسین خان ایلخانی - آقامیرزا سید احمد ابن بیانی - میرزا محمد تقی بزبار - میرزا سید مهدی (معمد التولیه) - آقامیرزا ابراهیم آشتیانی - ثقة الاسلام بروجردی - میرزا ابراهیم امام جمعه اهر - شیخ الاسلام بلایی - شریعت زاده - میرزا محمد علیخان نظام مانی - محمد تقی خان اسعد - محمد علی میرزا دولتشاهی - حاج آقا رضا رفیع - ملک ایرج پور تیمور - دکتر نعمان - شیخ العراقین بیات - میرزا حسنخان اسفندیاری - میرزا عبدالباقی - سید حسین آقایان - یاسائی - ارباب کیخسرو - میرزا صادق خان خواجهوی - میرزا سید احمدخان اعتبار - آقا رضا مهدوی - میرزا علیخان اعظمی - میرزا سید مهدی خان فاطمی - آقامید مهدی بنی سلیمان - میرزا حسین خان وزیری - میرزا عبدالعزیز منتی - عطاء الله خان پالیزی - بهرام خان ساگینیان - اسکندر خان مقدم - وکیلی طباطبائی - ذوالقدر - میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - عصر انقلاب - ثابت - نصره الله خان اسکندری - میرزا حسین خان موقر - افشار - میرزا سید حسین خان میر ممتاز - ابوالحسن خان ثقة الاسلامی - میرزا ربیع خان جهانشاهی - نوبخت - آقاعلی زارع - حیدرقلی میرزا

حشمتی - میرزا حسن خان فرمند - دکتر هادی طاهری - میرزا اسمعیل خان نجوسی - آقاسید ابراهیم ضیاء - اسیر تیمور کلالی.

## اسامی مخالفین

آقایان حاج اسدالله زوار - فیروزآبادی - میرزا جوادخان خوئی - لطف الله خان لیثوانی - میرزا حسین خان جلایی. بعضی از نمایندگان - ختم جلسه.

رئیس - طبعاً چون چیزی در دستور نیست جلسه ختم میشود. خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به اتویوس رانی در طهران و بین طهران و شمیران حاضر است ولی کمیسیون خارجه هنوز راپرت نداده است بنابراین اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم و جلسه آتیبه روز یکشنبه و دستور هم همان خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به اتویوس رانی است منتها کمیسیون خارجه هم اهتمام خواهد کرد که زودتر راپرتش را بدهد. آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقاسید یعقوب - بنده خیلی خجلم ولی استدعا میکنم از کمیسیون خارجه که زودتر این راپرت را بدهد و خیلی لوایح دیگر هم هست که باید بگذرد استدعا میکنم که راپرت آنها را هم بدهند.

رئیس - بنابراین جلسه ختم میشود. جلسه آتیبه یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر و دستور هم خبر کمیسیون فوائد عامه و خارجه راجع به اتویوس رانی.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

(منشی: سید ابراهیم ضیاء) (منشی: اسیر تیمور کلالی)